

بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالای اکوتوریسم در کشور امروزه با معضلات جدی همراه است. نقش دولت در نظارت بر این بخش ضرورت دارد تا با ضوابط مدون همخوانی داشته باشد. هم توسعه پایدار در صنعت گردشگری را تضمین می‌کند و هم بومیان از منافع حاصل از برگزاری تورهای تخصصی طبیعت‌گردی بهره می‌برند.

مطلب زیر به چالش‌های پیش روی برگزاری تورهای تخصصی در کشور اشاره دارد.



بومیان را در منافع حاصل از ایجاد تورهای تخصصی طبیعت‌گردی سهیم کنیم.

به امان خدا رها شده‌ایم

حضور ناآگاهانه در طبیعت و ... می‌دهیم، خیلی بیشتر از هزینه‌ای است که برای یک تور استاندارد و تخصصی پرداخت می‌کنیم. ضمن آن که بها ندادن به استاندارد سفر همیشه و لزوماً ناشی از مشکل مالی نیست؛ بسیار دیده‌ایم صاحبان ماشین‌های مدل بالایی که در کنار خیابان چادر زده‌اند. به طور کلی این نگاه در کشور ما وجود دارد که باید برای همه چیز هزینه کرد، الا سفر. سفر به هر صورت، باید ارزان تمام شود. اما این دیدگاه فقط در مورد سفرهای داخلی ملاحظه می‌شود؛ در حالی که مردم برای سفر خارجی، خیلی راحت هزینه می‌کنند. از دلایل تفاوت یاد شده، این است که مردم ما به دیدنی‌ها و ارزش‌های طبیعت اطراف و جامعه خودشان بهای کافی نمی‌دهند و یا در واقع آنها را نمی‌شناسند. با یک مقایسه ساده بین تور پنج روزه بیابان لوت و کلوت‌های ما و تور نیم روزه صحرای دوبي، موضوع روشن‌تر می‌شود. در سفر بیابان لوت و کلوت‌ها، شما از یکی از جاذبه‌های منحصر به فرد بیابان‌های دنیا بازدید می‌کنید و در طول پنج روز از تمامی خدمات تخصصی شامل راهنمایی، اقامت، حمل و نقل، پذیرایی کامل در کلیه وعده‌های غذایی، برقراری امنیت در محیط‌های طبیعی و ... بهره‌مند می‌شوید و ضمن آن اطلاعات علمی کافی هم دریافت می‌کنید (گاهی حتی از اساتید فن برای توضیحات علمی در این سفرها دعوت شده است). هزینه چنین سفری در سال گذشته، برابر ۱۷۵۰۰۰ تومان بود؛ در حالی که تور کمتر از یک روزه صحرای دوبي که در طول آن کار خاصی هم، بجز چرخاندن مردم با ماشین‌های فورویل بر روی تپه‌های ماسه‌ای و در نهایت بر پا کردن رقص و دستی در آخر شب نمی‌کنند، حدود ۱۰۰ هزار تومان قیمت دارد. تا زمانی که مردم ما ارزش جاذبه‌های کشور خود را نشانند، موازنه آمار جهانگردی در کشور ما منفی خواهد بود. بدیهی است تصحیح این دیدگاه‌ها، نیاز به فرهنگ‌سازی عمیق و برنامه‌ریزی شده دارد.

چالش دیگر، آگاهی جوامع میزبان نسبت به ارزش‌های جاذبه‌های طبیعی، فرهنگی و تاریخی خود است. آن‌ها باید به این جاذبه‌ها مانند یک دارایی نگاه کنند. در غیر این صورت، خودشان با دست خودشان آن‌ها را نابود می‌کنند؛ درخت‌های با ارزش را می‌برند، زباله می‌ریزند، چشمه و رودخانه را آلوده می‌کنند، گوزن‌هایشان را می‌کشند، گلزارها و مراتع را لگدمال می‌کنند، روی دیوار قلعه قدیمی

چالش‌های پیش روی اکوتوریسم را می‌توان به دو دسته چالش‌های زیست محیطی و چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دسته‌بندی کرد. از مهم‌ترین عواملی که روی هر دو دسته تأثیرات عمیقی دارند، برنامه‌ریزی صحیح و فرهنگ‌سازی همه‌جانبه است. فرهنگ سفر جمعی در قالب تور، با بهره‌گیری از تخصص شرکت‌های مجری هنوز در ایران نهادینه نشده است؛ امری که خود یکی از شاخص‌های توسعه‌یافتگی است. مردم کشورهای توسعه‌یافته به سفرهای جمعی سازمان‌یافته و استاندارد بها می‌دهند و برای سفرهای کوتاه‌مدت آخر هفته و سفرهای درازمدت فصلی یا سالیانه خود از شش ماه یا حتی یک سال قبل برنامه‌ریزی می‌کنند. آنها حتی پس‌انداز مخصوص سفر دارند؛ زیرا می‌دانند سفر در کنار لذت بخش بودنش، ارزش‌ها و ابعاد جدیدی به شخصیت آن‌ها اضافه می‌کند و از این رو حاضرند هزینه‌هایش را هم بپردازند.

تجربه دنیاهاى تازه و شگفت‌انگیز، آشنایی و حتی همزیستی کوتاه‌مدت با مردم و فرهنگ‌های گوناگون، انرژی گرفتن از طبیعت و غوطه‌ور شدن در دنیای ژرف آن، از نیازهای جدی انسان امروز است و هم از این روست که طبیعت‌گردی با همه جلوه‌هایش حرکتی نو در جهان است. اما سفر در ایران با این که در فرهنگ و ادبیات مردم ریشه‌ای قدیمی دارد، هنوز در مرحله سفرهای تاریخی باقی مانده و در آن نیز به لحاظ بهره‌مندی از تخصص و استانداردهای لازم، نوا است و بدیهی است تا طبیعت‌گردی جدی و تخصصی فاصله‌ای قابل توجه دارد.

از مهمترین مزایای سفر جمعی در قالب تور، استفاده از تخصص و اطلاعات شرکت برگزارکننده، جلوگیری از اتلاف وقت، امنیت بیشتر، سرعت بالاتر و حتی هزینه کمتر است. به همه اینها باید بهره‌مندی از فضای ارتباط جمعی دوستانه، آشنا شدن با انسان‌های هم‌فکر و هم‌سلیقه و همچنین یادگیری و تأثیرپذیری نسل‌ها از یکدیگر را اضافه کرد. در ایران چنین جفا افتاده که گویی هزینه سفر با تور، بالاتر از سفر شخصی است؛ در حالی که اگر نیک بنگریم جمع هزینه‌هایی که ما در سفرهای شخصی مان بابت نداشتن اطلاعات و تخصص، اتلاف وقت، بهره‌مندی ناقص از سفر و دیدنی‌های آن، خستگی و بالارفتن ضریب خطر در رانندگی یا خطرات ناشی از

فرزانه نبی زاده

به دلیل فقدان چارچوب مشخص و مدون برای فعالیت‌های تخصصی طبیعت‌گردی در بخش خصوصی، از دفترهای فعال در امر طبیعت‌گردی معیار و استانداردهای لازم درخواست نمی‌شود؛ در نتیجه اجرای تورهای تخصصی استاندارد، با نگاه توریسم مسئولانه و خدمات قابل قبول، به امان خدا رها شده است و تنها به وجدان افراد بستگی پیدا کرده است



گردشگر با لباس محلی در ارتفاعات دنا.
عکس: معصومه بابانوری

**زمانی می توان نگاه
ارگان های دولتی به این
موضوع را قابل اتکا
دانست که به تهیه طرح
جامع اکوتوریسم
کشور، با استفاده از
تجربه کشورهای موفق
در این زمینه و با تکیه
بر قابلیت ها و
ظرفیت های
اکوتوریستی خاص و
بومی کشور، همت
گمارند**

به هر طریقی وارد طبیعت می شوند؛ هیچ آموزش و اطلاعاتی به مسافران خود در زمینه حفاظت از محیط زیست و ارزش جاذبه های طبیعی نمی دهند و در نهایت همه این ها موجب آلودگی و ضربه به محیط زیست، منابع اکوتوریسم و اساساً فرهنگ سفر جمعی می شود. دفترهای غیرمجاز نیز به دلیل آن که اولاً هزینه های سربرار مانند اجاره بهای دفتر مجاز یا سند اداری یا تجاری، مطابق با ضوابط سازمان جهان گردی، بیمه، مالیات، هزینه پرسنلی، و ... ندارند و ثانیاً هزینه خدمات تخصصی مانند سفرهای تحقیقاتی، تهیه اطلاعات، چاپ بروشور، راهنمای متخصص، خدمات محلی، قاطر امداد و تمامی لوازم آسایش مسافران را پرداخت نمی کنند، می توانند تورهای به ظاهر هم نام با تورهای استاندارد را با قیمت پایین تر بفروشند. گروه های غیرمجاز گاه تا بدانجا پیش می روند که تور خود را، بدون آنکه واقعاً به مسیر و جاذبه های آن آشنا باشند، همزمان با شرکت متخصص اعلام می کنند. و برای جبران نقص ناشی از عدم اطلاعات خود، در محل اجرای تور، گروه خود را به دنبال راهنمای شرکت متخصص روانه می کنند. جالب این جاست پولی که آن ها از مردم بابت تور غیرمجاز خود دریافت می کنند، اگرچه به ظاهر پایین تر از هزینه تورهای استاندارد است، اما چون خدمات لازم را ارائه نمی دهند و تنها درصد پائینی از آن را هزینه می کنند یا تقریباً هزینه نمی کنند؛ در مجموع، سود این گونه تورها بالاتر از سود تورهای استاندارد است. مردم هم فکر می کنند پول کمتری پرداخت کرده اند؛ غافل از آن که برابر با هزینه ای که داده اند، خدمات لازم را دریافت نکرده اند. این فعالیت های موازی، موجب هرج و مرج و ضربه به شرکت های مجاز و متخصص و تور استاندارد طبیعت گردی با قیمت

شعار می نویسند و بالاخره خانه و باغچه هایشان را آباد نمی کنند و ... و همه این ها یعنی ضربه به منابع اکوتوریسم و توسعه پایدار. برگزاری کلاس های آموزشی، تشویق و دادن جایزه، جمع آوری اطلاعات بومی ها در قالب پروژه های تعریف شده، دادن تسهیلات به مردم جوامع میزبان برای تجهیز امکانات پذیرایی و اقامت و ... از جمله راهکارهای زیبایی است برای نهادینه کردن تدریجی حفاظت از محیط زیست، منابع اکوتوریسم و ارزش های فرهنگی و تاریخی جوامع و در نهایت توسعه پایدار.

از سوی دیگر فرهنگ سازی بی رویه در زمینه معرفی جاذبه های طبیعی و رفتن به طبیعت، بدون تأکید بر استانداردهای توریسم مسئولانه، روش صحیح حضور در طبیعت با استفاده از تخصص و اطلاعات شرکت های مجاز و متخصص در طبیعت گردی، خود موجب آلودگی های زیست محیطی، ضربه به منابع اکوتوریسم و حتی خطر آفرینی برای توریست ها می شود.

از مهم ترین چالش ها نداشتن برنامه ریزی کلان، فقدان طرح جامع اکوتوریستی در سطح کشور و نداشتن تبلیغات اصولی است. مسیرهای اکوتوریستی در ایران، با این همه وسعت و تنوع، هنوز شناسایی و تدوین نشده اند و به دلیل این ناشناختگی، آن ها را تبلیغ هم نمی توان کرد. در نتیجه یا تبلیغ نداریم یا اگر هم داشته باشیم، سازمان یافته و هدفمند نیست و معمولاً منجر به هجوم بی رویه مردم به این مناطق می شود. نمونه بارز این امر بلایی است که بر سر تنگه و اشی آمده است. حتی در مورد تنگه و اشی که با هجوم جمعیت و تخریب روز افزون روبروست، چنانچه مردم منطقه آموزش ببینند، در صورت سپردن مدیریت اکوتوریسم منطقه به دست آن ها و سهم کردنشان در منافع حاصل از آن، خود روش های جدید و منطقی حفاظت از محیط زیست و جاذبه های طبیعی و فرهنگی منطقه را طراحی و پیاده خواهند کرد و مانع آسیب به منطقه خواهند شد.

در اثر عدم شناسایی مناطق اکوتوریستی و بها ندادن به آنها، زیرساخت های لازم در این مناطق نیز ایجاد نمی شود. در حال حاضر بجز در بعضی مسیرهای معروف مانند دماوند و علم کوه و ...، در بسیاری از مسیرها نقشه و تابلوی راهنما، بروشور، پست امداد رسانی، سیستم هوایی نجات (نیاز مبرمی که هنوز فکری برای آن نشده است)، سرویس های بهداشتی، امکان بازگرداندن زباله، وسایل نقلیه برای حمل افراد یا چهارپایان برای حمل و نقل بار، امکان اقامت (کمپ، پناهگاه، چادر)، امکان پذیرایی و تهیه غذای گرم و سالم، راهنمای متخصص و ... وجود ندارد. در نتیجه بار فراهم کردن تمامی این امکانات، از مبدأ تا مقصد، با صرف وقت، انرژی و هزینه های سنگین تر بر دوش شرکت مجری تور طبیعت است و این در حالی است که برخی مردم فکر می کنند چون به هتل نمی روند، برای مثال باید تور طبیعت گردی بیابان لوت را ارزان تر از تور شهرگردی اصفهان یا شیراز بخرند.

چالش مهم دیگر، فعالیت دفترها و گروه های غیرمجاز یا مجاز غیرمتخصص در زمینه طبیعت گردی است. در درجه اول متولیان دولتی جهان گردی و محیط زیست نمی توانند نظارتی بر کار این گونه دفترها داشته باشند. آنها معمولاً توریسم مسئولانه را سرلوحه فعالیت های خود قرار نمی دهند و از آنجا که نمی خواهند هزینه کنند، جوامع محلی را به کار نمی گیرند و در واقع هیچ درآمدی به منطقه تزریق نمی کنند؛ در نتیجه مردم بومی هم تشویق نمی شوند که منابع خود را حفظ کنند. بنابراین آنها نه تنها به توسعه پایدار کمکی نمی کنند، بلکه به آن ضربه هم می زنند.

از سوی دیگر به دلیل عدم ارائه خدمات تخصصی و رعایت نکردن استانداردها، موجبات نارضایتی توریست ها را فراهم کرده و گاه حتی امنیت آن ها را به خطر می اندازند. افزون بر این، آن ها از هر مسیری و

واقعی است.

در شرايطی که شرکت های متخصص باید بتوانند امکانات مالی خود را برای توسعه کار خود و شناسایی هر چه وسیع تر جاذبه های طبیعت ایران و تدوین مستندات آن به کار گیرند، ناگزیر می شوند با صرف هزینه و انرژی بیشتری به جبران خسارت های مالی و فرهنگی فعالیت این گونه دفترها بپردازند.

از دیگر چالش ها، باید به کافی نبودن تعداد راهنماهای متخصص طبیعت گردی نسبت به تقاضای موجود این گونه تورها و وسعت و تنوع جاذبه های طبیعی ایران اشاره کرد. از سوی دیگر معدود اکتور لیدرهای آموزش دیده نیز، اگر چه از نظر تئوریک اطلاعات قابل قبولی دارند؛ از نظر عملی، برای حضور در طبیعت، آمادگی بدنی، مصمم بودن، قاطعیت لازم و هدایت خود و گروه، توانایی و کارایی کافی را ندارند. راهکار این است که تعداد موسسات آموزشی استاندارد افزایش یابد. همچنین آموزش رسمی راهنمایان محلی در مناطق اکتوریستی، یکی دیگر از راه کارهای موثر است.

برخی مصوبه ها و تدوین و اجرای قوانین و مقررات دست و پاگیر، بدون توجه به ساختارهای خاص اکتوریسم، از جمله چالش های مورد بحث است؛ مانند قرار گرفتن تشکیلات اداری جهانگردی و بالطبع اکتوریسم در زیر مجموعه میراث فرهنگی و محدودیت استفاده از بنزین. شرکت های طبیعت گردی برای مطالعات میدانی، شناسایی و طراحی مسیرهای بکر و جدید، نیاز به سفرهای تحقیقاتی دارند که باتوجه به محدودیت بنزین امکان پذیر نیست. نظریه محدودیت پمپ های گاز، گازسوز شدن وسایل نقلیه این شرکت ها نیز کمکی نمی کند.

اجاره دادن منابع طبیعی و در واقع ثروت ملی، مثل مراتع، جنگل ها و حریم سواحل و صدور مجوز ساخت مجموعه های به اصطلاح تفریحی و اقامتی در این مناطق، معمولاً به دلیل عدم نظارت قوی از سوی سازمان های ذیربط و عدم رعایت استانداردهای اکتوریستی، زیست محیطی و ویژگی های ساخت و ساز بومی، بسیار مخرب و از مهمترین چالش ها است که ضربه آن ها مستقیماً به منابع اکتوریستی وارد می شود. نمونه های بارز این وضعیت در جنگل ها و مراتع ماسال و سواحل خزر مشاهده می شود.

همچنین اجرای طرح های غیرمسئولانه مانند ساخت اکوموزه روستایی گیلان در جنگل های سراوان، از این قبیل است که اگرچه بسیار جذاب و دیدنی است، ولی به لحاظ مکان یابی هم منجر به تخریب محیط زیست شده و هم به دلیل آن که در محیط های زنده روستایی ایجاد نشده است، جوامع بومی را درگیر و فعال نمی کند و در نتیجه کارایی لازم را ندارد.

نقص در ناوگان حمل و نقل، سیستم های تهویه، صوتی و تصویری اتوبوس ها، رانندگان غیر حرفه ای و آموزش ندیده و مشکلات تهیه بلیت قطار و هواپیما برای تور و ... از دیگر چالش ها است.

نقش ارگان های دولتی

تشکیل کمیته ملی طبیعت گردی و اختصاص بخشی از تشکیلات اداری سازمان جهانگردی به طبیعت گردی و برگزاری سمینارهای مرتبط که اخیراً شاهد آن هستیم، قابل تقدیر است؛ اما با این همه نسبت به تقاضای موجود و وسعت و تنوع جاذبه های طبیعی کشور، از کارایی و کفایت لازم برخوردار نیست. زمانی می توان نگاه ارگان های دولتی به این موضوع را قابل اتکا دانست که به تهیه طرح جامع اکتوریسم کشور، با استفاده از تجربه کشورهای موفق در این زمینه و با تکیه بر قابلیت ها و ظرفیت های اکتوریستی خاص و بومی کشور، همگامانند. در حالی که ما هنوز حتی یک سایت قوی اطلاع رسانی در زمینه اکتوریسم کشور نداریم.

بخش خصوصی ناآشنا

متأسفانه به دلیل اینکه هیچ چارچوب مشخص و مدونی برای فعالیت های تخصصی طبیعت گردی در بخش خصوصی وجود ندارد، از دفترهای فعال در طبیعت گردی معیار و استانداردهای لازم درخواست نمی شود؛ در نتیجه اجرای تورهای تخصصی استاندارد، با نگاه توریسم مسئولانه و خدمات قابل قبول، به امان خدا رها شده است و تنها و تنها به وجدان، طرز تفکر و نگاه مدیران بخش خصوصی بستگی پیدا کرده است تا شاید بتوانند در حد امکان و تا جایی که به حیطه فعالیت آنها مربوط می شود، تورهای موردنظر را به گونه ای تخصصی برگزار کنند. اگرچه از دست چنین مدیرانی هم، در جایی که چگونگی اجرای تور به زیرساخت ها و عرصه های کلان تر، مربوط به دولت، بستگی پیدا می کند، کاری ساخته نیست. دیگر آن که نگاه بازاری، سودجویانه و غیرمسئولانه برخی فعالان بخش خصوصی و اجرای تورهای سطح پایین و به اصطلاح شاد شاد که فقط و فقط با دست و رقص و ... همراه است به پایان می رسد، از یک سو باعث پایین آمدن سطح سلیقه مخاطب یا مسافران می شود و از سوی دیگر وجهه سفر با تور را خراب می کند. اما با این همه، با یک دیدگاه امیدوارانه می توان گفت کار اصولی و تخصصی، اگرچه توسط تعداد کمی از دست اندرکاران بخش خصوصی انجام شود، آرام آرام، سطح توقع و سلیقه مردم را بالا برده و بقیه نیز مجبور می شوند کار خود را به استانداردها نزدیک کنند و این روندی است که هم اکنون شاهد آن هستیم.

متولیان دولتی جهانگردی و محیط زیست نظارتی بر کار گروهی که توریسم مسئولانه را سرلوحه فعالیت های خود قرار نمی دهند، ندارد. این افراد چون نمی خواهند هزینه کنند، جوامع محلی را به کار نمی گیرند و در واقع هیچ درآمدی به منطقه تزریق نمی کنند